

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک
نویسنده: جیمز اونیل
برگردان: م. قربانی
۲۰ اگست ۲۰۲۲

نشانه‌های امیدبخش دگرگونی در توازن نیرو در جهان



دیدار اخیر سیاستمدار امریکائی، نانسی پلوسی، از تایوان یکی از نامعقول‌ترین و تحریک‌آمیزترین اقدامات یک سیاستمدار امریکائی در این سال‌ها بوده است. این واقعیت که رئیس‌جمهور امریکا، جو بایدن نخواست از آن ممانعت کند نیز خود گویای رفتار ایالات متحده در قبال تایوان و به ویژه حساسیت‌های چینی‌ها نسبت به موضوع است. بد نیست تاریخ مرتبط با این موضوع را از یاد نبریم. وقتی ناسیونالیست‌ها در سال ۱۹۴۹ از سرزمین اصلی چین اخراج شدند، آن‌ها کرسی خود را در شورای امنیت ملل متحد رها نکردند. این قضیه تا سال ۱۹۷۲ که ملل متحد در نهایت در شورای امنیت به کرسی جمهوری خلق چین رأی داد و تایوان را از تظاهر به نمایندگی «چین» کنار گذاشت، ادامه یافت.

مهم‌تر این‌که تایوانی‌ها خود را به عنوان یک کشور مستقل مطرح نکردند، بلکه با این پندار که خود را بخشی از چین می‌دانستند، خوشنود بودند. پس از اخراج تایوان از ملل متحد، ایالات متحده رفتار مبهم و دوگانه‌ای در قبال تایوان پیش گرفت. از یک سو موضع رسمی چین یگانه را حفظ می‌کرد و از سوی دیگر با تایوان به عنوان یک کشور روابط دیپلماتیک جداگانه تحت نام دیگری در جزیره برقرار می‌کرد.

جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا بتازگی اظهار داشت که در صورت حمله جمهوری خلق چین به تایوان به عنوان سیاست اتحاد مجدد، امریکا از تایوان دفاع خواهد کرد. این اظهارنظر موجب حیرت و وحشت در میان برخی محافل رسمی شد، محافلی که مایل بودند امریکا عملاً سیاست مبهم و دوگانه خود را برای درازمدت حفظ کند.

آن‌ها دیگر نمی‌توانند به چنین سیاستی تظاهر کنند. دیدار نانسی پلوسی، سخنگوی مجلس نمایندگان، از تایوان پی‌آمدهای متعددی داشت. نخست این‌که بخش بزرگی از ابهامی را که آمریکا در قبال تایوان و رفتارش با چین ایجاد کرده بود، از میان برداشت. به علاوه، دیگر واقع‌بینانه نیست به موضع یک کشور و دو سیستم تظاهر کرد.

واکنش دولت چین کاملاً قابل پیش‌بینی بود، گرچه مانع به نفس نفس افتادن بخش عمده‌ای از رسانه‌های آمریکا از این سفر نشد. این شامل اظهارنظراتی درباره ساقط کردن یا فرود اجباری هواپیمای پلوسی و گروگان گرفتن وی و خشم چینی‌ها هم می‌شد.

واکنش‌ها و زیاده‌روی‌های رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به این سفر همان‌طور بود که از آن‌ها انتظار می‌رفت. این رفتار ترکیبی بود از جهل و دشمنی. جهل از انگیزه و اقدامات گسترده چینی‌ها. و دشمنی که اغلب خود را در رفتار اقتصادی مسلط چین در عرصه جهانی نشان می‌دهد.

رسانه‌های آمریکا هنوز به چین به چشم دومین اقتصاد بزرگ دنیا نگاه می‌کنند، هرچند واقعیت این است که از جهت قدرت اقتصادی چند سالی است که چین به طور فزاینده و مستمر برتری خود را بر اقتصاد آمریکا نشان داده است.

عرصه دیگری که تأثیر تسلط اقتصاد چین بروشنی نمایان است، در رهبری آن در تعدادی از برنامه‌های توسعه اقتصادی است. از جمله می‌توان به ابتکار کمربند و جاده اشاره کرد که اکنون ۱۴۵ کشور در آن مشارکت دارند. هیچ چیز دیگری در کشورهای متحد غرب اکنون نسبت به چنین تجمیع اقتصادی در جهان قابل مقایسه نیست.

گروه دیگری که اکنون هم از جهت اندازه و هم از جهت نفوذ در حال رشد است، گروه بریکس است که شامل ۵ کشور برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی است. بتازگی تعداد بیش‌تری از کشورها برای پیوستن به گروه گسترده بریکس + اظهار علاقه کرده‌اند. این‌ها کشورهای آمریکای جنوبی، افریقا و خاورمیانه را دربر می‌گیرند.

عربستان سعودی و ایران از جمله کشورهای هستند که به گرم شدن روابط ابراز علاقه کرده‌اند. یکی از انگیزه‌های اساسی سفر اخیر بایدن به عربستان سعودی جلوگیری عربستان از نزدیکی با ایران بود، کشوری که آمریکا آن را مخالف عمده خود در خاورمیانه می‌داند. سفر بایدن یک شکست شگفت‌انگیز بود که در رسانه‌های غربی از پرداختن به آن ظفره رفتند. بهبودی روابط میان سعودی‌ها و ایرانیان یکی از مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیک در چند دهه اخیر است.

کشور دیگری که علاقه وافری به پیوستن به بریکس نشان می‌دهد ترکیه است. درخواست ترکیه برای الحاق به بریکس + به معنای نقطه عطف مهمی در نارضایتی و یأس روزافزون آن کشور از ناتو است، سازمانی که ظاهراً عضو آنست. ترکیه از دیگر ابتکارهای کشورهای غربی نیز مأیوس شده است.

ترکیه در حال گسترش ارتباط نزدیک‌تر با روسیه است. پوتین بتازگی به استانبول سفر کرد و روشن است که او و اردوخان در حال یافتن راه‌های حل مشترک هستند. البته این بدان معنا نیست که مشکلاتی وجود ندارد. اولین مشکل، درگیری ترکیه در سوریه است که نیروهایش علناً با مبارزان کُرد در جنگ هستند. این حقیقت که آمریکا از کردها پشتیبانی می‌کند کمکی به بهبود روابط ترکیه و آمریکا نمی‌کند.

دیگر منبع اساسی تشنج حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در سوریه است. این حضور کاملاً از طرف رسانه‌های غربی نادیده گرفته می‌شود، رسانه‌هایی که دم‌به‌دم خشم گزینشی خود را به نمایش می‌گذارند. این حضور فراتر از اشغال زمین‌های سوریه از سوی امریکاست. آن‌ها عملاً ذخایر نفت سوریه را به تاراج می‌برند و اصلاً هیچ علاقه‌ای به بازپرداخت سرقت منابع سوری از خود نشان نمی‌دهند.

امریکائی‌ها در مورد عراق هم همان قدر نسبت به اعتراض حضورشان در عراق بی‌اعتناء هستند. از آن تجاوز اکنون بیش از بیست سال گذشته است. باید یادآور شویم که استرالیائی‌ها نیز هنوز به اشغال عراق ادامه می‌دهند، این را از امریکائی‌ها یاد گرفته اند و علی‌رغم خواست عراق آنجا را ترک نمی‌کنند.

باید این تفاوت رفتار امریکا و متحدین آن‌را در اشغال سوریه و عراق با روسیه در اوکراین را (که مبنای بسیار مشروع‌تری دارد) دید تا به نتایج بدیهی رسید. وقتی چنین عملی از سوی نیروهای آن‌ها انجام می‌گیرد، همه چیز درست و عادی است. اما اگر از سوی مخالفان سیاسی آن‌ها صورت گیرد، توجیه‌پذیر نیست. ریاکاری عجیبی است.

مثال‌ها کم نیست. امریکا به بهانه‌های مبهم به اشغال خلیج گوانتانامو در کوبا پس از ۶۰ سال ادامه می‌دهد. فریبکاری حیرت‌آوری است. انتظار این‌که در رفتار امریکا تغییر اساسی رخ دهد ساده لوحی‌ست، هرچند علائمی وجود دارد که نشان می‌دهد آن‌ها دیگر توان تحمیل نظرات خود را به ملت‌های جهان ندارند. دیری نخواهد پائید که دنیا شاهد پایان برتری امریکا خواهد بود.